سؤال اول : آیا عثمان فقط می خواست یک قرائت را بنویسد ؟

صفحه هفتم جزوه بودیم. برای اثبات اینکه تواتر قرائات به قراء نیست، گفتیم یکی از اموری که تواتر را اثبات میکرد، مسأله رسم المصحف بود. اگر بعداً خواستید تحقیق کنید و تدریس کنید، اگر نقطه شروع کار خودتان را رسم المصحف قرار بدهید، هم خودتان راحتتر جلو میروید و هم اقناع شما برای مخاطب به مراتب بیشتر خواهد بود. لذا در جلسه قبل دو سؤال مهم را مطرح کردم. سؤال اول این بود: آیا زمانیکه عثمان مصاحف را واحد کرد، وقتی نساخ او مینوشتند میخواستند یک قرائت را بنویسند؟ یعنی مقصود آنها یک قرائت بود ولی به تعبیری که مکی بن ابیطالب در «الابانة» دارد، در نهایت قرائات ماند. یعنی آنها میخواستند یکی را بنویسند ولی امروزه میبینیم که قرائات موجود است. آیا به این صورت بود یا نه؟ همان وقتی که نساخ عثمان مینوشتند تعمد داشتند طوری بنویسند که امروز ما این همه قرائت داشته باشیم؛ یعنی اصلاً میخواستند که این قرائات بماند. دو بحث است. خیلی تفاوت میکنند. تعمد در اینکه جوری بنویسیم تا بماند و اینکه نه، ما میخواستیم تنها یکی را بنویسیم اما چه کنیم که نشد و قرائات ماند. این سؤال اول است.

شاگرد: آن را تکرار کنید.

استاد: هفته قبل دو سؤال مطرح کردم. سؤال اول این بود: آیا وقتی عثمان مصاحف را نوشت و آنها را فرستاد، مقصود او تنها یک قرائت بود؟ یعنی او میخواست یک قرائت را بنویسد اما خامی خط و شرائط نوشتن طوری بود که عملاً قرائات ماند. یا اینکه نه، اصلاً خود نساخ عثمان تعمدا طوری نوشتند که این خط تحمل چند قرائت را داشته باشد؟ این سؤال مهمی است.

بازبینی #2
ایجاد شده 12 ژوئن 2024 11:45:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 ژوئن 2024 12:25:47 توسط ... .